



A Fiqhi and Legal Analysis of Unauthorized Encroachment on the Riverbed and Riparian Zone

Ali Reza Ebrahimi* & Reza Askari**

Received: 08 May 2024 | Received in revised form: 29 June 2024 | Accepted: 08 September 2024 | Published: 30 December 2024

Abstract

The issue of land occupation and water utilization is a vital matter that requires the establishment of specific regulations. Furthermore, according to Article 45 of the Iranian Constitution and Articles 1 and 2 of the Law on the Fair Distribution of Water, waters are considered public common property, the possession and utilization of which have been entrusted to the Islamic State. To preserve, protect, and ensure the proper utilization of water resources, the preservation of the riparian zone is essential. Following this approach, the Iranian legislature in the Law on the Fair Distribution of Water has designated them as public common property and made the utilization of these waters contingent upon obtaining a permit from the Ministry of Energy. On the other hand, the utilization of waters on private property may conflict with the State's authority in the utilization of waters. Through the analysis of the descriptions provided in this regard, it was concluded that the lands constructed within the riparian zone of rivers are under the jurisdiction of the State, and their possession is solely considered a right of the State, based on the purport of the Law on the Fair Distribution of Water and its compatibility with the relevant articles of the Civil Code. Similarly, any form of utilization, whether through construction or water extraction, within the riparian zone must be authorized by the Ministry of Energy, even if the land belongs to the municipality or other public legal entities. Furthermore, even in the event that the encroachment on the riparian zone has been carried out with the permission of the relevant organization, the authority to determine its continuation or demolition rests with the Ministry of Energy, in which case the compensation for the owner and the builder will be provided according to Articles 43 and 44 of the same law.



Keywords: Riverbed Lands, Riparian Zone, Ministry of Energy, Principle of Dominance, Principle of No Harm, Unauthorized Encroachment.

* Assistant Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran; (Corresponding Author) Email: ali110qom@yahoo.com

** PhD Student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran; Email: reza_asgari347@yahoo.com

□ Ebrahimi, A., & Askari, R., (2024)., A Fiqhi and Legal Analysis of Unauthorized Encroachment on the Riverbed and Riparian Zone. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 2 (2)., 256-282. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2024.10675.1049>



بررسی فقهی و حقوقی تصرف غیرمجاز بستر و حریم رودخانه‌ها

علیرضا ابراهیمی* و رضا عسکری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

چکیده

تصرف اراضی و بهره‌برداری از آب‌ها مسئله‌ای حیاتی است که نیازمند ضابطه‌انگاری در خصوص تصرف اراضی و بهره‌برداری از آنهاست. از طرفی مطابق اصل ۴۵ ق.ا. و ماده ۱ و ۲ قانون توزیع عادلانه آب، آب‌ها از جمله مشترکات عمومی هستند که حيازت و بهره‌برداری آنها به دولت محول شده و در اختیار حکومت اسلامی است. به منظور حفظ و صیانت و بهره‌برداری صحیح از منابع آبی حفظ حریم آب ضروری است. در پی این رویکرد، مقنن در قانون توزیع عادلانه آب آنها را مشترکات عمومی و نحوه بهره‌برداری از آنها را به کسب مجوز از وزارت نیرو موكول نموده است. از طرفی بهره‌برداری از آب‌ها در ملک شخصی ممکن است با اختیار دولت در بهره‌برداری از آب‌ها تراحم داشته باشد. با تحلیل توصیف‌هایی که در این خصوص وارد شده است، این نتیجه حاصل گشت که اراضی احداث شده در حریم رودخانه‌ها در فضای قانون توزیع عادلانه آب و جمع آن با مفاد مواد مرتبط در قانون مدنی، در اختیار حکومت و حيازت آن تنها از حقوق دولت محسوب می‌شود. همچنین است هر گونه بهره‌برداری اعم از احداث و آب بری در حریم رودخانه می‌بایست با مجوز وزارت نیرو باشد، حتی اگر در ملک شهرداری و اشخاص حقوق عمومی قرار گرفته باشد. از طرفی هم حتی در فرضی که تصرف در حریم پس از کسب مجوز آن سازمان باشد در صورت تشخیص، اختیار بقا یا هدم آن با وزارت نیرو خواهد بود که در فرض اول خسارت مالک و احداث-کننده طبق مواد ۴۳ و ۴۴ همان قانون جبران خواهد شد.



کلیدواژه‌ها: اراضی بستر رودخانه، حریم، وزارت نیرو، قاعده تسلیط، قاعده لاضرر، تصرف غیرمجاز

* استادیار دانشکده الهیات دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). | ali110qom@yahoo.com

** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه قم، قم، ایران | reza_asgari347@yahoo.com

□ ابراهیمی، علیرضا؛ عسکری، رضا. (۱۴۰۲). بررسی فقهی و حقوقی تصرف غیرمجاز بستر و حریم رودخانه‌ها، پژوهش‌های فقهی

مسائل مستحدثه، ۲(۲)، ۲۵۶-۲۸۲. Doi: <https://doi.org/10.22091/256-282>

(۱) مقدمه

بستر و حریم رودخانه‌ها از جمله اموری است که به موازات شکل‌گیری تاریخ تمدن بشری مورد توجه بوده و حقوق و میزان بهره‌برداری از آن مورد مناقشه و از ضروریات نظم‌دهی به حفظ و نگهداری این موهبت الهی در کنار رعایت حقوق بهره‌برداران از آن همواره مورد توجه بوده است. اشتغال‌زایی و فعالیت اقتصادی به‌ظاهر سالم، توجیه و بهانه لازم برای تخریب و تغییر کاربری بستر رودخانه‌ها را ایجاد کرده است. از این رو، قاعده‌مند ساختن بهره‌برداری از آن مورد تأکید در متون و اسناد دینی و بین‌المللی بوده است. حال آنکه بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی، بستر رودخانه‌ها در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران بوده و مسئولیت حفظ و اجاره و نظارت بر بهره‌برداری از آن‌ها به دولت محول شده است. به موجب تبصره ۳ ذیل همان ماده، ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها با اجازه وزارت نیرو ممکن است.

مقوله صیانت از این مواهب طبیعی و بستر و حریم آن‌ها در حوزه مصادیق و مفاهیم حقوق عمومی قرار گرفته و اعمال حاکمیت دولت در این خصوص شاید از بارزترین جلوه‌های اقتدارات حاکمیتی در حقوق املاک باشد. از ابتدای دوره قانون‌گذاری ایران تا کنون، مالکیت عمومی بر منابع آب، بستر و حریم رودخانه‌ها مورد تصریح قوانین اساسی و عادی بوده و در فرض تعارض حقوق و مالکیت خصوصی اشخاص با عرض بستر و حریم کمی و کیفی مالکیت عمومی مرجح و مورد حمایت مقنن قرار گرفته است. به‌رغم صراحت نصوص قانونی در این خصوص به جهت وقوع بخشی از بستر و حریم رودخانه‌ها در محدوده قانونی شهرها، شهرک‌ها و روستاها و به تبع، تداخل و تعارض صلاحیت‌های نظارتی و تصدی‌گری سایر دستگاه‌های اجرایی، و نیز بعضاً به دلیل عدم تثبیت و ثبت رسمی و یا فقدان نقشه‌های حدنگار (کاداستر) بستر و حریم، وقوع موارد فراوان تعارض به حریم و بستر رودخانه‌ها و استقرار تأسیسات و مستحدثات دارای کاربری معارض با حریم، از جمله معضلات حقوقی و قضایی بوده که این تعارضات و عملکرد مغایر دستگاه‌های اجرایی، مراجع اداری و قانون‌گذاری را به اتخاذ تدابیری واداشته است.

هرچند قانون‌گذار ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها را پس از اعلام ممنوعیت آن، با اجازه وزارت نیرو و ممکن دانسته و آیین‌نامه اجرایی این قانون در مقام تبیین و تشریح وظایف و اختیارات وزارت نیرو، کشت موقت به صورت اجاره و رعایت اولویت برای مجاوران، بدون داشتن حق ایجاد اعیانی و غرس نهال و درخت (به جز زراعت سطحی) را بلا مانع اعلام داشته است، لیکن در مقررات مختلف، بر حفظ و تثبیت بستر رودخانه‌ها و امکان استفاده اولیه از آن تأکید شده است. بر این مبنا، هرگونه قراردادی که از یک سو تصرف دائمی اراضی و از سوی دیگر، تخریب و تغییر کاربری بستر رودخانه‌ها را سبب می‌گردد، نقض صریح قانون محسوب می‌شود.

هدف این پژوهش، مطالعه وضعیت حقوقی مستحذات واقع در بستر و حریم رودخانه‌ها است. اما در بررسی این موضوع بغرنج، همان‌طور که اشاره شد، دو مسئله اصلی مطرح است؛ اول، تداخل صلاحیت‌های تصدی‌گری و اعمال حاکمیت دولت با صلاحیت‌های نظارتی، و مورد دوم اینکه با توجه به رویکرد مقنن ایران به انفال دانستن حریم و بستر رودخانه‌ها، حق اشخاص بر املاک و مستحذات و اعیان مستقر بر عرصه‌ها و املاک چگونه هست؟ در این پژوهش دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در این زمینه بررسی می‌شود و راهکارهایی نیز در راستای حل مشکلات قانونی آب‌های عمومی ارائه خواهد شد.

۲) بررسی ماهیت و مبنای حمایت از بستر و حریم رودخانه‌ها

اگرچه در قانون به حریم رودخانه پرداخته شده، اما به طور مشخص درباره چگونگی و الزام رعایت آن از منظر فقهی بحثی به میان نیامده است. نوشتار حاضر می‌کوشد با توجه به اهمیت نگاه فقهی، ضمن بازشناسی مبانی و مفاهیم فقهی حریم، با بهره‌گیری از قواعدی چون لاضرر، ملازمه و با اتکا بر اصولی چون عدالت، ممنوعیت فساد در زمین و همچنین با توسل به احکام فقهی و حقوقی انفال و مشترکات عمومی، به بررسی و شناخت مبانی حریم رودخانه‌ها بپردازد.

۲-۱) حریم در لغت

فرهنگ لغات معین، حریم را این‌گونه تعریف کرده که: «آنچه از پیرامون خانه و امارت که

بدان متعلق باشد، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب است؛ و جمع آن حرم، احرم، احاریم می‌باشد» (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۳۵۲). در لغت‌نامه دهخدا، حریم به معنای «بازداشت کرده و حرام کرده» که مس آن جایز نیست. چیزی که حرام باشد و دست، بدان نتوان زد (دهخدا، ۱۳۳۰: ۵۰۳) معنا شده است. ابن‌منظور این چنین نگاه داشته که: «حریم را به این دلیل حریم نامیده‌اند که منع صاحبش از تصرف در آن یا تصرف دیگران در آن (بی‌اجازه‌ی مالک) حرام است» و بستانی هم مقرر داشته که «حریم، در لغت، به هر چیزی که مستلزم حمایت باشد گفته می‌شود. به همین دلیل، به زنان و مسکن مردان، حریم اطلاق می‌گردد» (شفایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸). در کتاب العین آمده است که «حریم آن چیزی است که مس آن حرام شده و نباید نزدیک آن شد و اعراب در موسم حج وقتی وارد حرم می‌شوند، لباس‌هایشان را درمی‌آورند و تا وقتی در حرم بودند آن را نمی‌پوشیدند» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۲). در تاج العروس زبیدی درباره حریم آمده است: «حریم، آن چیزی است که حرام شده است و نباید آن را مس کرد... حریم در اصل، پیرامون چیزی از حقوق و منافع آن است؛ مانند خانه...» (زبیدی، ۱۳۶۸، ص ۳۴). با تأمل در معانی لغوی حریم می‌توان به این نکته رسید که نزدیک شدن به حریم روا نیست و ممنوعیت دیگران در تسلط و تصرف در آن لازم است. در نتیجه، تصرف از سوی غیر مالک در حریم، از منظر عرف و شرع حرام است.

۲-۲) حریم در اصطلاح

۲-۲-۱) بند اول: اصطلاح فقهی

از جمله مسائلی که در کتب فقهی و برخی از اخبار و احادیث طرح شده است، مسئله حریم است. فقیهان برای حریم تعاریف مختلفی آورده‌اند. شیخ طوسی در کتاب «المبسوط» درباره حریم نگاه داشته است: «... کسی که زمینی را احیا می‌کند، پیرامون آن نیز که مصالح و منافع زمین جز با آن به دست نمی‌آید، مالک می‌شود» (طوسی، ۱۳۴۵، ج ۳: ۲۶۹). علامه حلی برخلاف فقهای پیشین، به مصادیق حریم بسنده نکرده و برای نخستین بار تعریف از حریم ارائه داد: «حریم اشاره به مکان‌های نزدیکی دارد که برای کمال انتفاع (از ملک مأمور) نیاز به آنها است؛ مثل جاده‌ها، محل جاری شدن آب، محل ریختن خاک و امثال اینها» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج

۱۲:۴۱۳). فقهای پس از علامه حلی مانند محقق ثانی، از تعریف علامه در مورد حریم استفاده نموده و مقرر داشته‌اند: «کسی که زمینی را آباد می‌کند، حریم آن را نیز مالک می‌شود؛ چرا که پیرامون آن زمینی است و انتفاع کامل از زمین به آن بستگی دارد» (محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ۲۰). امام خمینی (ره) در پیرامون حریم در «تحریرالوسیله» نگاشته‌اند: «وقتی کسی زمین مواتی را برای احداث خانه، باغ و مزرعه و امثال آنها احیا کند، مقداری از زمین‌های اطراف آن، یعنی مقداری که بهره‌برداری کامل از زمین احیاء شده منوط به آن است و عرفاً و عادتاً بدان بستگی دارد، از لحاظ حکم شرعی از ملک احیاء شده تبعیت می‌کند و این مقدار از زمین‌های اطراف را حریم می‌نامند» (خمینی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۹۹). به نظر می‌رسد تعریف حضرت امام خمینی (ره) از حریم، تعریفی مطلوب باشد؛ زیرا برای عرف در پیدایش حریم، نقش بسزایی قائل شده‌اند؛ لذا با مراجعه به عادات مردم در هر منطقه می‌توان مسئله حریم را مطرح نمود و حدود آن (کمال انتفاع) را مشخص کرد. (بشیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷)

۲-۲-۲) بند دوم: اصطلاح حقوقی

در حقوق ایران، حدود تعریف قانونی حریم، نزدیک به تعاریف فقهی است. در ماده ۱۳۶ قانون مدنی، حریم این چنین تعریف شده است: «حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد». «نویسندگان حقوقی، درباره فلسفه و علت تشریح مقررات مربوط به حریم املاک متفق القول نیستند. برخی «جلوگیری از تضییع صاحب حریم» و برخی «کمال انتفاع» را فلسفه حریم می‌دانند و عده‌ای نیز نظر بینابین دارند» (بشیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸). گروهی دیگر فلسفه حریم را چنین مطرح می‌کنند: «استفاده از غالب املاک مستلزم آن است که زمین اطراف آن به مالکیت شخص دیگری درنیاید، یا دست کم تصرفی که بهره‌برداری از ملک را ناممکن یا دشوار می‌سازد، در آنها نشود. برای مثال، اگر کسی در زمین موات قناتی احداث کند، برای آن که بتواند از آبی که حیازت شده است استفاده مطلوب ببرد، باید آن مقدار از زمین اطراف حلقه‌های چاه را که جهت ریختن خاک آنها لازم است، همیشه در اختیار داشته باشد و دیگران نتوانند قنات و چاه دیگری در نزدیکی قنات او حفر کنند. این مقدار از زمین را در اصطلاح «حریم»، و حقی را

که مالک بر آن دارد «حق حریم» می‌نامند» (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ص ۲۳۰؛ لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۳۳۰). (بشیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۱). باتوجه به تعاریف فوق، حریم از منظر حقوقی، مقداری از اراضی اطراف ملک است که برای دوام و دفع ضرر از ملک لازم می‌نماید.

۲-۲-۳) بند سوم: حریم رودخانه‌ها در قانون

اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، هر فعالیتی را که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع اعلام کرده است. قوانین عادی هم رعایت ضوابط و معیارهای سازمان محیط زیست را در انجام فعالیت‌های اقتصادی مبنا قرار داده و سازمان محیط زیست را مکلف کرده است، از ادامه کار یا فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌نماید، جلوگیری به عمل آورد.

ماده ۱ «آیین‌نامه نحوه تعیین حد بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار و مسیل‌ها و مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی» مصوب ۱۳۷۹/۰۸/۱۱ هیات وزیران مقرر داشته است: الف) رودخانه: مجرای است به طور طبیعی که آب به طور دائم یا فصلی در آن جریان داشته باشد. ب) بستر: آن قسمت از رودخانه، نهر یا مسیل است که در هر محل باتوجه به آمار هیدرولوژیک و داغاب و حداکثر طغیان با دوره‌های برگشت مختلف وسیله وزارت نیرو و یا شرکت‌های آب منطقه‌ای و آب و برق تعیین می‌شود.

ج) حریم: آن قسمت از اراضی اطراف رودخانه، مسیل، نهر طبیعی یا سنتی مرداب و برکه است که بلافاصله پس از بستر قراردادن و به‌عنوان حق ارتفاق برای کمال انتقال و حفاظت آنها لازم است و طبق مقررات این آیین‌نامه توسط وزارت نیرو و یا شرکت‌های آب منطقه‌ای و آب و برق تعیین می‌گردد.

د) حریم انهار طبیعی یا رودخانه‌ها اعم از این که آب دائم یا فصلی داشته باشند از یک تا بیست متر خواهد بود که حسب مورد باتوجه به وضع رودخانه یا نهر طبیعی یا مسیل از هر طرف منتهی‌الیه بستر وسیله وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن تعیین می‌گردد. (در محدوده شهرها حریم انهار طبیعی و رودخانه‌ها به‌طور کلی طبق مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی، تعیین و پس از موافقت شرکت آب منطقه‌ای ذی‌ربط یا آب و برق اعلام خواهد شد).

ماده یک قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ بیان داشته که «بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آب‌های دریاها و آب‌های جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و سیلاب‌ها و فاضلاب‌ها و زه‌آبها و دریاچه‌ها و مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آب‌های معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آنها بهره‌برداری می‌شود. مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت به بهره‌برداری از آنها به دولت محول می‌شود».

بر طبق تبصره ۳ ماده ۲ همین قانون «ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و کانال‌های عمومی و مسیل‌ها و مرداب و برکه‌های طبیعی و همچنین در حریم قانونی سواحل دریاها و دریاچه‌ها اعم از طبیعی و یا مخزنی ممنوع است، مگر با اجازه وزارت نیرو». تبصره ۴ ماده مزبور نیز وزارت نیرو را ملزم ساخته که در صورتی که اعیانی‌های موجود در بستر و حریم انهار و رودخانه‌ها و کانال‌های عمومی و مسیل‌ها و مرداب و برکه‌های طبیعی را برای امور مربوط به آب یا برق مزاحم تشخیص دهد به مالک یا متصرف اعلام خواهد کرد که ظرف مدت معینی در تخلیه و قلع اعیانی اقدام کند و در صورت استنکاف، وزارت نیرو با اجازه و نظارت دادستان یا نماینده او اقدام به تخلیه و قلع خواهد کرد. خسارات به ترتیب مقرر در مواد ۴۳ و ۴۴ این قانون تعیین و پرداخت می‌شود».

۳) ایجاد حریم در دیدگاه‌های فقهی

رودخانه‌ها شریان‌های حیاتی هر کشور محسوب می‌گردند و به‌عنوان بخشی از ثروت‌های طبیعی و ملی کشور از اهمیت خاصی برخوردار بوده و جزء ذخایر موروثی کشور محسوب شده که حفظ و حراست از بقا رودخانه‌ها یک وظیفه همگانی به شمار می‌آیند. رودخانه‌ها نه تنها برای انسان‌ها، بلکه برای زنده‌ماندن همه چیز و در همه‌جا مهم هستند. از آنها برای تأمین آب شرب، آبیاری کشاورزی، تولید برق، حمل‌ونقل رودخانه‌ای (مثل رودخانه کارون)، تهیه غذا و... مورد استفاده قرار می‌گیرند. رودخانه‌ها برای همه نوع گیاهان و جانوران مهم بوده و به آب‌های زیرزمینی نیز از طریق نفوذ آب از بستر خود کمک می‌کنند تا همیشه آب کافی داشته

باشند. باتوجه به مطالب فوق و برای جلوگیری از مخاطرات سیلاب‌ها و همچنین به منظور کمال انتفاع از رودخانه‌ها ضروری است بستر و حریم آن مورد توجه قرار گیرد. کم توجهی به این مهم، از یک سو باعث تشدید و خامت بحران محیط‌زیست و تغییر در اکوسیستم‌های منطقه‌ای و جهانی می‌گردد و از دیگر سو، خطرات ناشی از سیل و تلفات جانی و مالی ایجاد می‌کند. چون هدف غائی علم فقه، دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی بشر از طریق وضع و احکام و حقوق فردی و اجتماعی است، سنجش ظرفیت فقه اسلام در کاهش معضلات زیست‌محیطی و جاهت و اهمیت دارد

"در فقه، دخالت قدرت عمومی و حکومت در ایجاد حریم، این‌گونه مطرح شده است که آیا اذن امام (ع) و اذن نایب خاص یا عام او در احیای موات، و به تبع آن، ایجاد موارد حریم، ضروری است یا خیر؟ فقیهان در این بحث دودسته شده‌اند: گروهی که زمین‌های موات را جزء انفال می‌شمرند، اذن را ضروری دانسته‌اند، اما فقیهانی که موات را از مشترکات عمومی یاد کرده‌اند، چنین اذنی را ضروری ندانسته‌اند. امام خمینی (ره) اذن حاکم شرع را ضروری شمرده‌اند. امروزه اخذ مجوز برای احیای موات به‌طور کلی و احداث چاه، نهر و مانند آن به‌خصوص، از دولت و نهادهای تابعه آن، لازم شمرده می‌شود. توسعه و تضییق حریم، مهم‌ترین بخش تأثیر قدرت عمومی و حکومت در نهاد حریم است. آیا دولت چنین حقی دارد که املاک اشخاص را به حمایت از منافع جامعه و حقوق عمومی تملک کند یا جزء مشترکات عمومی قرار دهد؟ به‌رغم آنکه واگذاری‌ها در چهارچوب قانونی صحیح و مطابق موازین صورت گرفته است منتها نظارت و کنترل کافی بر نحوه تصرفات متصرفین صورت نمی‌گیرد. انتقادهای فراوانی که از مراجع مختلف به این نوع واگذاری‌ها صورت گرفت و آثار زیان‌باری که واگذاری‌های مذکور از نظر سهولت زمین‌خواری به بار آورد، قانون‌گذار را بر آن داشت تا با وضع تبصره ۲ ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۳ انتقال قطعی مالکیت دولت در واگذاری اراضی ملی و دولتی و حتی موات را ممنوع و بهره‌برداری را صرفاً از طریق اجاره و یا حق انتفاع تجویز کند.

«از سوی دیگر برداشت شن و ماسه، باعث تغییر خصوصیات فیزیکی گستره تحت

بهره‌برداری و تخریب گیاهان، جانوران و خاک‌های نزدیک به محل بهره‌برداری شده و در نظام هیدرولوژی رودخانه اختلال به وجود می‌آورد». (عبدالهی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۲۴) اما بنا بر نظر غیرمشهور که مبنا را بر ضرر قرار می‌دهد، دولت اسلامی مجری امین این قاعده است که حریم را تا جایی که دفع ضرر و انتفاع را فراهم می‌آورد، توسعه دهد یا تضییق کند؛ و چنین دستورها و فرمان‌های دولت اسلامی، خلاف قاعده محسوب نمی‌گردد؛ بلکه مطابق قاعده است.

۳-۱) قلمرو قاعده لاضرر در حریم

اساسی‌ترین و مهم‌ترین بحث در این مقوله، مفهوم قاعده لاضرر است. در این خصوص، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است که مهم‌ترین آنها که امام خمینی (ره) هم به نقل و نقد آنها پرداخته به شرح زیر است:

- حمل نفی بر نهی؛ یعنی: ضرر زدن به دیگران حرام است.
- نفی ضرر غیر متدارک؛ یعنی ضرری که جبران نشده باشد در اسلام وجود ندارد.
- نفی حکم ضرری؛ بدین بیان که در اسلام حکمی که منشأ ضرر باشد جعل نشده است.
- نفی حکم به لسان نفی موضوع، یعنی اساساً در اسلام ضرری وجود ندارد و ضرر، نفی شده است و نه حکم ضرری.
- نهی حکومتی و سلطانی، بدین معنا که حاکم اسلامی دایره هر مالکیتی که موجب ضرر و زیان به دیگران باشد محدود می‌کند.

بررسی اجمالی دیدگاه‌های فوق: با توجه به دیدگاه اول که گروهی از فقها از جمله شیخ الشریعه اصفهانی به آن قائل است، مفاد قاعده لاضرر، تنها بیانگر حکم تکلیفی حرمت ضرر رساندن به دیگران است، و هیچ‌گونه دلالت دیگری ندارد. بر اساس دیدگاه دوم، نفی به حال خود باقی است و به این معناست که هر کسی به دیگری ضرری بزند، باید آن را جبران کند، زیرا ضرری که قابل جبران نباشد در شریعت اسلام وجود ندارد. بر اساس دیدگاه سوم، هر حکمی که از سوی شارع مقدس صادر شده، اگر زیان‌آور باشد، به استناد قاعده لاضرر برداشته می‌شود. شیخ انصاری و مرحوم نائینی همین دیدگاه را پذیرفته‌اند. دیدگاه چهارم، بیانگر آن

است که در شرع مقدس اسلام اساساً ضرر نفی شده است، نه حکم ضرری. این دیدگاه را آخوند خراسانی پس از نقد دیدگاه شیخ انصاری پذیرفته است. امام خمینی (ره) نیز، در حاشیه بر کفایه، در چندین جا، همین دیدگاه را پذیرفته و نوشته‌اند: «فتحصل من ذلك: أن قوله لا ضرر... نفی حقیقه لا ضرر فی دائره التشریح بلحاظ نفی منشه» و در جای دیگر آورده‌اند که: «فأن (لا ضرر) نفی نفس الضرر و حقیقه الامر لا ضرری» ولی در رساله مستقل خود دیدگاه جدیدی را ارائه داده است. امام خمینی (ره) پس از نقل و نقد دیدگاه‌های یادشده، دیدگاه پنجم را که نهی حکومتی و سلطانی است ارائه می‌دهد و آن را از دیگر دیدگاه‌ها برتر می‌داند. بر اساس این مبنا «لا» نفی به معنای نهی است، اما نه نهی الهی، بلکه نهی سلطانی و حکومتی؛ بدین معنا که این نهی از پیامبر (ص) به سبب آن که رهبر و حاکم بوده صادر شده است» (نوحی، ۱۳۸۶، صص ۳۱-۴۱).

مرحوم شیخ انصاری معتقد بود با حاکمیت قاعده لا ضرر، هر حکم ضرری که در اسلام وارد شده باشد برداشته می‌شود و معنای حدیث، نفی احکام ضرری است و بدین ترتیب، قاعده لا ضرر بر کلیه احکام ضرری حکومت دارد؛ بنابراین طبق این نظر، قاعده لا ضرر ناظر بر کلیه احکام ضرری است و همه آنها را در مقام تعارض منتفی می‌سازد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۲).

" می‌دانیم که قاعده تسلیط از جمله قواعد مسلم فقهی و مبنای آن، جمله مشهور «الاناس مسیطون علی اموالهم» است؛ بنابراین قاعده، مالک می‌تواند در ملک خود هر گونه تصرف به عمل آورد، بدون این که کسی حق ایجاد مزاحمت برای او داشته باشد. برخورد و تعارض چنین قاعده‌ای با قاعده لا ضرر امری طبیعی است؛ زیرا قاعده لا ضرر به منظور محدود تر کردن اقتدارات و اختیارات ناشی از همین قاعده تسلیط مقرر گردیده و قطعاً با آن تعارض پیدا می‌کند. می‌خواهیم ببینیم در مقام معارضه این دو قاعده، مشکل چگونه حل می‌شود؟ شک نیست که دامنه قاعده تسلیط نامحدود نیست و مالک نمی‌تواند با استناد به این قاعده در ملک خود هر نوع تصرفی بکند، بلکه اعمال این گونه تصرفات باید مبتنی بر قواعد و تحت اصول و ضوابط باشد؛ به طوری که اگر قاعده لا ضرر هم نباشد باز مالک حق نداشته باشد در تصرفات خود موجبات اضرار به غیر را فراهم سازد؛ یعنی تصرفات مالک در ملک خود باید عقلایی باشد و در ورای این گونه

تصرفات عقلایی چنانچه مالک در ملک خود اقدام و تصرفی بکند، عقلاً بر آن صحه نمی‌گذارند و چنین تصرفی اعتباری نخواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۲).

هرگاه امر دائر باشد میان دو ضرری که ارتکاب آن، حرام است، قهراً این مورد از باب تراحم است که باید آن طرفی که دارای ضرر کمتر است انتخاب شود و از آن که دارای ضرر بیشتر و حرمت شدیدتر و قوی‌تر است، اجتناب گردد. ضمناً باید از محتمل الأهمیه اجتناب شود. در صورت علم به تساوی یا احتمال اهمیت در هریک از دو طرف وظیفه، تخییر در اجتناب هر یک از دو طرف است (عبداللهی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۷).

فقیهان برای قاعده لاضرر قلمرو گسترده‌ای قائل‌اند و در صورت تعارض این قاعده با قواعد دیگر فقهی، مانند قاعده تسلیط، قاعده لاضرر را حاکم می‌دانند؛ بنابراین، قاعده لاضرر در همه فقه جاری است، چه رسد به بحث حریم. در موضوع چشمه نیز که فقیهان بدان پرداخته‌اند، ویژگی‌ای متمایز از دیگر مصادیق حریم ندارد که موجب شود این قاعده تنها درباره چشمه جاری باشد، و مصداق الغاء خصوصیت است؛ لذا می‌توان قاعده لاضرر را از آن سرایت داد و در همه جای بحث حریم از آن بهره برد. از بیان علامه حلی در تذکره نیز می‌توان استنباط کرد که قاعده مزبور اختصاص به چشمه ندارد. وی فرموده است «فإن حریم المعمور کنفس المعمور لایملک بالأحیاء کما لایملک المعمور استحقاقه المواضع التي هی من مراقفه کالطریق فإنه لایجوز لأحد أخذ طریق یسلک فیہ المالك إلى عمارته لما فیہ من التضرر المنفی بالاجماع و کذا الشرب وماشابه ذلك». حریم ملک آباد، مثل خود آن است که به سبب احیاء، قابل تملک نیست. مالک ملک، نسبت به حدود و مراقب آن، همچون راه، دارای حق است؛ بنابراین، کسی مجاز نیست در راهی که مالک از آن به خانه‌اش آمدوشد می‌کند، تصرف کند؛ زیرا در این صورت ضرری متوجه مالک می‌گردد که به اجماع فقها آن ضرر منتفی است. بسیاری از فقیهان معاصر، با الهام از نظریه ابن جنید اسکافی، علامه حلی و شهید ثانی شالوده نظریه جدیدی را در باب حریم بنیان گذاشته‌اند؛ این نظریه، مبنای اصلی حریم در تمام مصادیق و موضوعات آن را ضرر می‌دانند و اندازه‌های معین شده در روایات را همگی جنبه تمثیلی برمی‌شمرند. مقدارهای یادشده، در زمان صدور روایت از مالک و صاحب حق حریم، دفع ضرر کرده است. آن گاه با تغییر زمان و مکان و پیشرفت علم و ابزار و

صنعت، شاید اندازه‌های تعیین شده برای دفع ضرر بسنده نباشد و نیز ممکن است به کمتر از آن فاصله دفع ضرر شود؛ بنابراین، بهتر است فقیهان موضوع‌شناسی حریم را به کارشناسان واگذارند و خود تنها احکام وضعی و تکلیفی حریم را بر مبنای نفی ضرر صادر کنند. تعیین مصداق بر عهده عرف و عقلاست و آنها هم در چنین مواردی به افراد خبره مراجعه می‌کنند و برای تشخیص حریم چاه و نفی ضرر، اهل فن به راحتی می‌توانند فاصله‌ای را تعیین کنند که چاه دیگر به چاه اول صدمه نزند. آیت‌الله سید محمدصادق روحانی در کتاب فقه الصادق فرموده‌اند که «امروز وقتی می‌خواهند روستا یا شهری را بسازند، اندازه راه و دیگر مرافق آن را بر عهده مهندسان واگذار می‌کنند تا بر اساس مصلحتی که این متخصصان تشخیص می‌دهند عمل کنند و شکی وجود ندارد که شرع نیز خیر و مصلحت عمومی را می‌پذیرد... و به تعبیر دیگر، روایات، حدود مرافق و ملزوماتی را مشخص می‌کند که در آن زمان بوده؛ زمانی که ماشین و بندرگاه‌ها و فرودگاه‌ها وجود نداشته، اما امروز دیگر آن مقادیر موضوعیت ندارند.» وی افزوده است «اگر شما شک دارید، من هرگز شک ندارم که اگر امام (ع) در زمان ما حاضر بود و می‌خواست، روستا یا شهری را بنا کنند، حتماً کار مرافق و حدود لازم آن را به طور کامل به شخص کاردان و اهل تخصص می‌سپرد.»

مشهور فقیهان که اندازه‌های تعیین شده برای حریم مقطوع می‌پندارند، به دلایلی مانند حفظ نظام و جلوگیری از اختلال نظام و هرج و مرج، راه‌حلی را برای دخالت دولت اسلامی در افزایش و یا کاستن از اندازه حریم پیدا کرده‌اند، همانند آنچه در ماده نهم قانون زمین شهری آمده است (... مالکان اراضی بایر و دایر شهری موظف‌اند زمین‌های موردنیاز دولت یا شهرداری‌ها را... با تقویم دولت به آنها بفروشند). اما بنا بر نظر غیرمشهور که مبنی را بر ضرر قرار می‌دهند، دولت اسلامی مجری امین این قاعده خواهد بود که حریم را تا جایی که دفع ضرر و انتفاع را فراهم می‌آورد، توسعه دهد یا تضییق کند، و چنین دستورها و فرمان‌های دولت اسلامی، خلاف قاعده محسوب نمی‌گردد؛ بلکه مطابق قاعده است. یکی از مواردی که فقیهان به گسترش آن توجه کرده‌اند، توسعه راه‌هاست، از آن روی که اندازه‌های تعیین شده در روایات (پنج ذراع یا هفت ذراع) با وجود وسایط نقلیه و صنعت و ماشین و پدید آمدن مشکل شد آمد در زندگی شهری، پاسخگوی نیازهای زمان نیست

۲-۳) اصل ملازمه

در فقه شیعه به عقل تحت عنوان «مستقلات عقلیه و ملازمات عقلیه» توجه شده و مسئله ملازمه میان حکم شرع و عقل، از مسائل مهم است. بر اساس آن، وجوب یا حرمت رفتاری یعنی حسن یا قبح هر عملی را می‌توان تشخیص داد. از این قاعده، با عبارت معروف «کَلِمَا حَكَمَ بِه الْعَقْلُ حَكَمَ بِه الشَّرْعُ» تعبیر شده است؛ یعنی هرگاه که عقل حسن یا قبح فعلی را تشخیص دهد، در حقیقت حکم شرعی را تشخیص داده است. در حقوق محیط‌زیست، عامل خسارت به محیط‌زیست ضامن است و باید به جبران آن پردازد. توجیه قاعده مذکور از نظر فقهی در قاعده ملازمه نهفته است. به موجب این قاعده - که امروزه به آن، قاعده عقل سلیم گویند - هرگاه درست بودن و یا نادرستی عملی از طرف خرد جمعی درک شود قانون‌گذار نیز به آن حکم خواهد داد؛ بنابراین با توجه به اولویت منافع عمومی و مصلحت جامعه بر منافع خصوصی و مصالح شخصی عقل سلیم ایجاب می‌نماید که خسارت واردکننده به محیط‌زیست به جهت اولویت مصالح عمومی، به جبران آن پردازد و دارای مسئولیت باشد. شارع اسلامی که همان قانون‌گذار است باید بر اساس قاعده ملازمه در این گونه موارد در جهت دفاع از منافع عمومی به اتخاذ تصمیم پردازد و این تصمیم چیزی جز واجب دانستن حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی و حرام دانستن تخریب آن نمی‌باشد.

۳-۳) قاعده عدالت

طبق آیات الهی، فرایند خلقت موجودات، موزون و در چارچوب عدالت قرار دارد. عدل در نظام هستی به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب خود است. از طرفی، به منظور حفظ این رکن رکین عالم هستی، خداوند متعالی انسان را به برپایی عدالت سفارش کرد و پیامبران خود را نیز به همین منظور برای انسان‌ها فرستاد. "بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ". بر این اساس، هرگونه استفاده از منابع طبیعی که به صدمه به آن بینجامد یا سبب آلوده‌سازی محیط‌زیست شود، زندگی را برای دیگر انسان‌ها (اعم از انسان‌های موجود یا نسل آینده) مشکل سازد، ممنوع و ضمان آور است. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۵)

اموال عمومی، اموالی است که مالک آن عموم مردم جهان یا همه کسانی که در یک

کشور و یا شهر زندگی می‌کنند یا بخشی از مردم هستند. این منابع و ثروت‌ها به عموم افراد مربوط است و باید در جهت منافع و مصالح عامه قرار گیرد. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۳۶) آب از نعمت‌های الهی، مایه حیات و سرمایه‌ای با ارزشی به حساب می‌آید. دریاها، چشمه‌ها، رودخانه‌ها از مشترکات عمومی محسوب شده و به ملکیت اشخاص در نمی‌آید. در حدیث نبوی آمده است «مردم در سه چیز با هم شریک هستند: آب، چراگاه و آتش» از آنجا که اموال عمومی جزء انفال قرار گرفته و از آن، خدا و رسول او محسوب می‌گردند لذا هرگونه اقدام و فعلی که موجب آسیب و ضرر به آن شود، جایز شمرده نمی‌باشد.

۴) بررسی وضعیت حقوقی مستحدثات واقع در حریم

۴-۱) بررسی اختیار مالک نسبت به مستحدثات واقع در حریم

در وهله اول باید دانست که هر مالکی نسبت به آنچه که مال خود اوست حق همه‌گونه تصرف و انتفاع را دارد، مگر آنچه را که قانوناً مستثنی شده باشد.^۱ اما چنان که در بحث فقهی در مبحث قبل بدان اشاره شد، در تراحم قاعده تسلیط با قاعده لاضرر، لاضرر حکومت می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ش ۱۵۰). مطابق قانون و رویه قانونی آب‌های جاری و رودخانه‌ها جزو اموال عمومی و در اختیار دولت است. البته عده‌ای آن را از مشترکات عمومی خوانده‌اند، نه از زمره اموال عمومی (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۶۴۳). همچنین مطابق قانون توزیع عادلانه آب، بر اساس اصل (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آبهای دریاها آب‌های جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی، سیلابها و فاضلابها و زهابها و دریاچه‌ها و مردابها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آبهای معدنی و منابع آبهای زیرزمینی از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آنها بهره‌برداری می‌شود. مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آنها به دولت محول می‌شود. بر اساس این ماده منابع آب از جمله مشترکات و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آن بهره‌برداری می‌شود. (معصومی و لطفی، ۱۳۹۶، صص ۵۱-۸۰) مطابق قانون ثبت دولت کسی را به‌عنوان مالک

^۱ - ر.ک ماده ۳۰ قانون مدنی که به قاعده تسلسط مشهور می‌باشد.

می‌شناسد که ملک به نام او ثبت شده باشد.^۱ بر اساس فحوی بیان مقنن در این ماده می‌توان اختیار مالک نسبت به مایملک خود را نیز استظهار نمود؛ اما چنان که در مبحث پیش گفته ابراز شد، در تراحم با قاعده لاضرر محدود می‌گردد. برای رسیدن به پاسخ همسو با حکومت لاضرر در حوزه اختیارات مالک در حریم رودخانه بایستی به چندی از مواد قانونی اشاره نمود. ماده ۱۳۶ قانون مدنی به انواع حریم اشاره نموده که نهر یا همان رودخانه‌ها هم از آن جمله اشاره شده است؛ اما در ادامه به بیان میزان حریم در مورد چشمه و قنات و چاه پرداخته شده است؛ ولی در مورد نهر و آب جاری چیزی به میان نیامده که به ضابطه عرفی بودن میزان حریم در مورد رودخانه‌ها می‌توان آن را حمل نمود و چنان که فقها بیان فرموده‌اند، بهترین ضابطه در این مورد، عرف است. پس عدم بیان قانون مدنی را در مورد میزان حریم رودخانه‌ها با توجه به اشاره حریم برای آن در ماده ۱۳۶ تنها می‌توان به میزان عرفی آن اشاره نمود، و الا اگر منظور عدم قابلیت شناسایی بود نامی از آن ذکر نمی‌شد و در فرض دیگر، حتی اگر مورد شناسایی هم نبود به مجوز اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی بایستی به فتاوی معتبر و نظرات فقهی مراجعه نمود که بیان و اثبات شد که معیار حریم، عرفی بودن آن است. همچنین با قیاس اولویت از جهت اهمیت رعایت حریم در امتداد رودخانه‌ها نسبت به چاه و چشمه می‌توان این اهمیت را نیز استظهار نمود.

در ادامه در ماده ۱۳۹ قانون مدنی حریم را در حکم ملک صاحب زمین دانسته و تصرف در آن را که منافی با استفاده از حریم و فلسفه حمایتی آن نباشد برای مالک زمین جایز برشمرده است. از طرفی هم در قانون ثبت آمده که: «ثبت ملک به حقوق کسانی که در آن ملک مجرای آب یا چاه قنات (اعم از دائر و بائر) دارند به هیچ عنوان و در هیچ صورت خللی وارد نمی‌آورد».^۲ چنان که مشاهده می‌شود از این بیان قانون‌گذار می‌توان به رعایت حقوق غیرمالک در زمین از قبیل حق العبور و مجری و غیره که می‌توان حریم را از آن جمله دانست اشاره نمود؛ پس مطابق این بیانات مالک حق جلوگیری و آسیب به حقوق غیر در مایملک خود را ندارد که از جمله رعایت حریم در مورد رودخانه‌ها می‌باشد.

^۱- ر.ک. ماده ۲۲ قانون ثبت.

^۲- ر.ک. ماده ۲۳ ق.ث.

در خصوص نحوه بهره‌برداری از بستر رودخانه‌ها ماده (۷) آیین‌نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زهکشی مصوب ۱۳۷۹/۰۸/۱۱ هیأت وزیران، کشت موقت در آن قسمت از بستر رودخانه را که برای بهره‌برداری از آب مزاحمتی ایجاد ننماید، با موافقت کتبی و قبلی شرکت آب منطقه‌ای ذی‌ربط، در قالب عقد اجاره، بلامانع اعلام و مقرر کرده است که مستأجر به هیچ وجه حق ایجاد اعیانی و غرس اشجار (به جزء زراعت سطحی) را ندارد. با عنایت به اینکه بستر رودخانه‌ها جزء اموال ملی و در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران بوده و محول شدن مسئولیت حفظ و اجاره و نظارت بر بهره‌برداری از آن‌ها به دولت، دلیل بر مالکیت دولت به معنای خاص خود نمی‌شود، لذا وزارت نیرو موظف است در انجام مسئولیت‌های محوله، مبانی شرعی و قانونی را در انعقاد قراردادهای بهره‌برداری مراعات کرده و از هرگونه عملیاتی که با موقت بودن و اگذاری‌ها منافات داشته و یا تغییر کاربری بستر رودخانه‌ها را سبب می‌گردد، جلوگیری به عمل آورد. بی‌توجهی به این مبانی، زمینه‌ی تصرف غیرقانونی اراضی ملی و تغییر کاربری را فراهم می‌آورد.

هر چند قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ به طور خاص، جرایم زیست محیطی را با توجه به اهمیت و گستردگی آن در فصل جداگانه مورد توجه قرار نداده و مصادیق مختلف آن را به طور مشخص جرم‌نگاری ننموده است، لیکن به موجب ماده ۶۸۸، هر اقدامی را که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود جرم دانسته و برای مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشد تا یک سال حبس مجازات تعیین کرده است. ادامه‌ی کار یا فعالیت کارخانجات و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط‌زیست را فراهم می‌نماید پس از ابلاغ دستورسازمان حفاظت محیط‌زیست، تخلف از مقررات و ضوابط مذکور در آیین‌نامه‌های موضوع ماده ۱۰ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، ارائه گزارش خلاف واقع یا عدم گزارش مأمور سازمان با اطلاع از وقوع جرایم و نیز مشارکت و معاونت آن‌ها در ارتکاب جرم، عدم رعایت مقررات از جانب صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاه‌های تولیدکننده و ممانعت از انجام بازرسی مأموران آن سازمان و یا در اختیار ندادن اسناد و مدارک و اطلاعات و یا ارائه اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف

واقع نمونه جرایمی است که در بستر فعالیت اقتصادی در حوزه‌ی محیط‌زیست اتفاق می‌افتد. مواد ۱۲ و ۱۳ از قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳/۰۳/۲۸، ۱۶ (تبصره ذیل آن) و قانون هوای پاک، حسب مورد مجازات‌های حبس و جزای نقدی یا هر دوی آن‌ها را برای مرتکبین جرایم مذکور پیش بینی کرده است.

بر اساس قانون آب و نحوه ملی شدن آن در سال ۱۳۴۷، آب‌های مباح به صورت یکی از اموال عمومی درآمد که از طرف دولت اداره می‌شود. به عقیده برخی از حقوقدانان، با تصویب قانون ملی شدن آب در سال ۱۳۴۷، مواد ۱۴۹ به بعد ق.م. منسوخ و مسئله‌ی تملک آب منتفی شده است. اما برخی دیگر از صاحب نظران بر این عقیده‌اند که قانون توزیع عادلانه آب ناسخ قانون مذکور نیست، اما استفاده از آب‌ها باید با مجوز وزارت نیرو باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰) که در واقع مجوز وزارت نیرو، موجب ایجاد اباحه برای استفاده کننده می‌شود و بر آن اساس استفاده کننده برابر قانون مدنی حق حیات و احیای آب و مجرای آب را دارد؛ بنابراین با ضرورت قاعده جمع (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۰، ص ۴۲)^۱ می‌توان بین احکام قانون مدنی و قانون توزیع عادلانه آب جمع کرد و سخن از نسخ قانون مدنی با فرض حکمت قانون گذاری سازگار نیست. در مورد احداث بنا و تأسیسات در حریم و بستر رودخانه، دو فرض مطرح می‌شود. یکی، احداث در زمین واقع در حریم توسط غیر مالک که تکلیف آن روشن است و شبیه احکام غضب می‌باشد و مالک اختیار قلع و قم بنا را دارد، است. فرض دوم این است که مالک زمین در ملک خود و در حریم رودخانه به احداث بنا پردازد که در این فرض از طرفی قاعده تسلیط جریان دارد و از طرفی هم قاعده رعایت حریم که از مصادیق لاضرر می‌باشد.

راجع به مالکیت رودخانه‌ها تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۵^۲ بستر

^۱ «اصولاً ثابت می‌کنند که اولاً تا حدی که ممکن است باید میان روایات مختلف جمع کرد (الجمع مهمما امکن اولی من الطرح) اگر جمع میان آنها ممکن نشد باید دید یک طرف بر طرف دیگر از یک لحاظ (مثلاً از حیث اعتبار سند یا از حیث مشهور بودن میان علما و یا از حیث مخالف تقیه بودن و غیر اینها) رجحان دارد یا ندارد».

^۲ تبصره ۶ ماده ۹۶: «اراضی کوچه‌های عمومی و میدان‌ها و پیاده‌روها و خیابان‌ها و به طور کلی معابر و بستر رودخانه‌ها و نهرها و مجاری فاضلاب شهرها و باغ‌های عمومی و گورستان‌های عمومی، و درخت‌های معابر عمومی، واقع در محدوده‌ی هر شهر که مورد استفاده عموم است، ملک عمومی محسوب و در ملکیت شهرداری است».

رودخانه‌ها و نهرها را ملک عمومی و تحت مالکیت شهرداری می‌داند و از سوی دیگر، مواد ۲۰۱ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۲ بستر رودخانه‌ها را جزء مشترکات دانسته است و در اختیار حکومت جمهوری اسلامی می‌داند. در این میان، وزارت نیرو به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر دولت، تنها مرجعی است که در مورد ایجاد هر نوع اعیانی و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها صلاحیت صدور مجوز را دارد. با ملاحظه تاریخ تصویب قوانین فوق‌الذکر در این زمینه مشخص می‌شود که قانون توزیع عادلانه آب، آخرین اراده قانون‌گذار در این مورد و موخر بر قانون شهرداری می‌باشد؛ بنابراین شهرداری‌ها در این زمینه فاقد اختیار قانونی هستند و عملاً تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون مذکور، نسخ ضمنی شده است. به تعبیری ایجاد تأسیسات آبیاری از طرف وزرات آب و برق (وزرات نیرو) در بستر و حریم رودخانه‌ها واقع در محدوده شهرها بلامانع است. شهرداری‌ها نیز برای اجرای هرگونه عملیات عمرانی در بستر رودخانه‌ها قبلاً نظر وزارت نیرو را جلب نمایند؛ بنابراین بستر آب‌های طبیعی و رودخانه‌ها، اعم از اینکه آب دائم یا فصلی داشته باشد، و ساحل دریا و دریاچه‌ها به‌موجب ماده ۲ قانون تشکیل سال ۱۳۶۱ این زمین‌ها متعلق به دولت است و وزرات نیرو آن را اداره می‌کند. اما باید دانست که این‌گونه زمین‌ها، به دلیل طبیعت خاص و مصرفی که دولت برای آن معین نموده است، از اموال عمومی محسوب می‌شود. پهنای بستر رودخانه‌ها تا حدی جزء اموال عمومی است که مسیر رودخانه‌ها یا نهر را در حداکثر طغیان معمولی نشان دهد و همچنین است ساحل دریاها و دریاچه‌ها طبق قانون اراضی مصوب ۱۳۴۶/۰۵/۲۵. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۳) اما قانون توزیع عادلانه آب در مورد بستر و حریم در تبصره ۱ ماده ۲ ابراز داشته است که: «تعیین پهنای بستر و حریم آن در مورد هر رودخانه و نهر طبیعی و مسیل و مرداب و برکه طبیعی در هر محل باتوجه به آمار هیدرولوژی رودخانه‌ها و انهار و داغاب در بستر طبیعی آنها بدون رعایت اثر ساختمان تأسیسات آبی با وزارت نیرو است». در تبصره ۳ همان ماده نیز آمده که: «ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و کانالهای عمومی و مسیله‌ها و مرداب و برکه‌های طبیعی و همچنین در حریم قانونی سواحل دریاها و دریاچه‌ها اعم از طبیعی و یا مخزنی ممنوع است، مگر با اجازه وزارت نیرو». ملاحظه می‌گردد که ایجاد

هرگونه تأسیسات و دخل و تصرف در حریم که باتوجه به بیانات تبصره مذکور وسعت اعمال ممنوعه از جهت مجری آنها مطلق است و شامل اشخاص خصوصی حقیقی و حقوقی و اشخاص حقوق عمومی نیز می‌باشد که هرگونه انجام عملیات حتی توسط شهرداری‌ها را منوط به کسب اجازه از وزرات نیرو و اعلام نموده است. پس مطابق آنچه که در بحث‌های فقهی و قانونی گذشت فحوی کلام مقنن اختیار مالک در ملک خود و نسبت به احداث اعیانی و تأسیسات دیگر محدود به مواردی است که اختلال در بهره‌برداری وزارت نیرو از آنها و همچنین به تشخیص مرجع مذکور مضر به حال نهر و رودخانه و حریم قانونی آنها نباشد که در این مورد از نظر کارشناس نیز استفاده می‌شود (معصومی و لطفی، ۱۳۹۶ ص ۵۹). این همان معیار حکومت قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط می‌باشد و امر حکومت و صلاح سرزمینی می‌تواند خود بزرگ‌ترین معیار تشخیص مصلحت در میزان تصرف مالک در حریم رودخانه‌ها باشد.

۴-۲) بررسی اختیار حکومت و دولت در مقابله با مستحذات واقع در حریم رودخانه‌ها

در مورد مستحذات واقع در حریم رودخانه همان‌گونه که بدان اشاره شد، تکلیف مشخص است و بدون مجوز وزارت نیرو هیچ‌گونه تغییر و تأسیسی نباید صورت بگیرد؛ حال چه در زمره املاک شخصی باشد و چه در زمره املاک دولتی؛ از این روست که در قانون توزیع عادلانه آب به صراحت منوط به کسب مجوز از وزارت نیرو شده است؛ چرا که در ماده ۱ حفظ، بهره‌برداری، نگه داری و نظارت را بر عهده‌ی دولت قرار داده و آن را از جمله مشترکات عمومی اعلام نموده است. حتی اگر زمینی، خود مستحذات باشد نیز به صراحت ماده ۲ همان قانون نیز از جمله مشترکاتی می‌باشد که قابل تملک خصوصی نیست و در اختیار دولت می‌باشد. از جمله اختیارات در کنترل و محافظت از حریم رودخانه‌ها این است که ابتدائاً مجوز هرگونه تغییر و احداث و تأسیسات را به وزارت نیرو محول کرده است که می‌توان آن را حمل بر قدرت نظارتی دولت نمود. از طرفی هم برای مقابله با تجاوز به حریم که ممنوعیت آن در هر صورتی و توسط هر شخصی حقیقی و حقوقی مطلقاً تا زمان مجوز صادره و تشخیص نافع بودن فعالیت در حریم توسط وزارت نیرو می‌باشد. همچنین در تبصره ۴ ماده ۲ قانون توزیع

عادلانه آب: «وزارت نیرو در صورتی که اعیانی‌های موجود در بستر و حریم آنها و رودخانه‌ها و کانالهای عمومی و مسیله‌ها و مرداب و برکه‌های طبیعی را برای امور مربوط به آب یا برق مزاحم تشخیص دهد به مالک یا متصرف اعلام خواهد کرد که ظرف مدت معینی در تخلیه و قلع اعیانی اقدام کند و در صورت استنکاف وزارت نیرو با اجازه و نظارت دادستان یا نماینده او اقدام به تخلیه یا قلع خواهد کرد. خسارات به ترتیب مقرر در موارد (۴۳) و (۴۴) این قانون تعیین و پرداخت می‌شود».

چنانچه از متن ماده فوق برمی‌آید در صورت تشخیص وزارت نیرو امکان قلع و تخلیه تأسیسات و اعیانی از حریم در اختیار آن سازمان است و ناگفته نماند که پرداخت خسارت زمانی است که اعیانی‌های مذکور در ماه فوق‌الذکر قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون در حریم موجود بوده باشد و گرنه به جهت ممنوعیت ساخت و ایجاد تأسیسات بدون مجوز وزارت نیرو که فعلی خطا و خود زیان‌آور است، چه این که نسبت به امر ممنوعه پرداخت خسارت وجهی ندارد. از این رو، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، هم در فرضی که با مجوز وزارت نیرو تأسیساتی انجام شده باشد؛ اما به جهت پایین آمدن میزان آب نهرها، زمین‌های مستحدثه ایجاد شود و وزارت نیرو تشخیص دهد که تأسیسات مذکور نیز مضر به استفاده از آب و برق و تأسیسات آنها است، می‌تواند مطابق تبصره ۴ اقدام نموده و تخلیه یا قلع آنها را بخواهد و در این فرض نیز به جهت این که با مجوز سابقه‌ی وزارت مذکور بوده است، پرداخت خسارت مطابق قانون خواهد بود. همچنین مطابق ماده ۳۶ اگر اقدامات غیرمتعارف استفاده‌کنندگان زیانی به بار آید مسوول خسارات وارده نیز خواهند بود. در ادامه در تبصره ماده ۳۷ قانون توزیع عادلانه آب: «احداث نهر یا جوی و لوله‌کشی نفت و گاز و نظایر آن در حریم تأسیسات آب و یا برق موکول به تحصیل اجازه از وزارت نیرو و در معابر شهرها با جلب موافقت شهرداری و وزارت نیرو خواهد بود. مشخصات فنی مندرج در اجازه نامه لازم‌الاجرا است». مطابق تبصره مذکور رعایت حریم در معابر شهری نیز با هماهنگی شهرداری‌ها با وزارت نیرو می‌توان در احداث و یا برچیدن تأسیسات در حریم اقدام به عمل آورد. همچنین در ماده ۴۳ قانون مذکور: «در موارد ضرورت اراضی، مستحدثات، اعیانی و املاک متعلق به اشخاص که در مسیر شبکه آبیاری و خطوط آبرسانی واقع باشند با رعایت حریم مورد نیاز در اختیار دولت

قرار می‌گیرند و قیمت عادلانه با توجه به خسارت وارده به مالکین شرعی پرداخت می‌شود. به علاوه، طبق تبصره ماده مذکور در مواردی نیز که دولت قادر به پرداخت به صورت نقدی نیست می‌تواند با توافق مالک به شکل قسطی پرداخت نماید».

پس از فحوی بیان مقنن در این قانون و نحوه تملک در قانون مدنی می‌توان دریافت که زمین‌های مستحدثه در بستر حریم متعلق به حکومت بوده که در اختیار دولت است. اما در تعدیل آن بایستی عرضه داشت که مستحدثات واقع در حریم شهری متعلق به شهرداری‌هاست و در خارج شهر متعلق به دولت که توسط وزارت نیرو اداره می‌شود و در لسان ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب - که تفسیر آن، پیش‌تر گذشت - از جمله مشترکات می‌باشند که در حکومت جمهوری اسلامی است؛ بنابراین بر اساس قوانین و آیین‌نامه‌های مذکور، هرگز نباید اجازه ساخت و ساز بنا و اعیانی در حریم رودخانه‌ها داده شود تا از خسارت‌های بعدی جلوگیری شود. مسامحه با ساخت و سازهای حریم رودخانه‌ها هم کار دست نهادهای مربوط داده و هم کار دست مالکان خانه‌هایی که سیل اموالشان را برده است.

قانون، حدود بستر و حریم رودخانه‌ها را به طور مشخص تعیین کرده و ساخت و ساز در حریم و بستر رودخانه‌ها هم ممنوع است. تعیین مالکیت اراضی مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها در شهرها بر عهده شهرداری‌ها و در خارج از شهرها بر عهده وزارت نیرو است و کسانی که اقدام به ساخت و ساز در این حریم کنند، قطعاً متجاوز به حقوق عمومی هستند. از این رو می‌توان عرضه داشت که اراضی مستحدثه در بستر و حریم رودخانه‌ها اگر در محدوده شهری باشد از جهت مصالح عمومی متعلق به شهرداری‌ها و در خارج محدوده شهری متعلق به دولت و از اموال عمومی خواهد بود.

باید به این مسئله توجه داشت که آنچه از مشترکات عمومی در ماده ۱ برشمرده شده است، رودها و برکه‌ها و ... می‌باشد و نسبت به اراضی مستحدثه در حریم بیان صریحی وجود ندارد اما با توجه به این که حریم رودخانه‌ها به مصلحت استفاده از رودخانه‌ها موازات یافته‌اند می‌توان مسامحتاً آنها را نیز جزء مشترکات نامید و البته هرگونه بهره‌برداری حتی در محدوده شهری نیز بایستی با مجوز وزارت نیرو باشد.

تخریب بستر رودخانه‌ها باعث تغییر خصوصیات فیزیکی گستره تحت بهره‌برداری و تخریب گیاهان، جانوران و خاک‌های نزدیک به محل بهره‌برداری شده و در منظومه هیدرولوژی رودخانه اختلال به وجود می‌آورد. براین اساس، هرگونه فعالیت اقتصادی در بستر رودخانه‌ها که موجب تخریب و تغییر کاربری آن می‌شود، به لحاظ ملازمت با تخریب غیرقابل جبران محیط‌زیست ممنوع خواهد بود. بدیهی است سازمان حفاظت محیط‌زیست در راستای انجام وظایف حفاظت و بهبود و بهسازی محیط‌زیست و پیشگیری و ممانعت از هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط‌زیست می‌شود، باید از ادامه کار و فعالیت منابع و عواملی که موجبات تخریب محیط‌زیست را فراهم می‌نمایند، جلوگیری به عمل آورد. پیشنهاد می‌شود سازمان حفاظت محیط‌زیست به لحاظ خطرات فوری ناشی از تخریب و تغییر کاربری بستر رودخانه‌ها در جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، هرگونه فعالیت اقتصادی در بستر رودخانه‌ها را متوقف نموده و لایحه ممنوعیت مطلق واگذاری بستر رودخانه‌ها به منظور هرگونه فعالیت اقتصادی، کشاورزی و پرورش ماهی را به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

دستگاه قضایی نیز با اختیار حاصله از ماده ۹ لایحه قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۵۹/۴/۳ می‌تواند حسب درخواست وزارت نیرو نسبت به رفع، قلع و قمع و جلوگیری از تجاوزهای خلاف قانون اقدام نماید. به لحاظ قانونی نیز هرچند قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی نیز اجاره، واگذاری حق بهره‌برداری و حق انتفاع اراضی ملی از سوی دولت را مجاز تلقی کرده است، لکن با مبانی پیش گفته در خصوص رابطه حقوقی حکومت با اموال ملی مابینت دارد و نظر به مصالحی از قبیل جلوگیری از تخریب بستر رودخانه‌ها و همچنین پیشگیری از جرایم مربوط به حوزه اموال ملی لازم است تا هر چه سریع‌تر از این واگذاری‌ها جلوگیری بعمل آید.

نتیجه‌گیری

از آنچه که گذشت مشخص می‌شود که اختیار مالک نسبت به مایملک خودش با قاعده لاضرر تخصیص می‌یابد. همچنین باید دانست که اموال عمومی اموالی است که متعلق به تمام نسل‌های

بشری است و در اداره، حفظ و نگهداری آن همگان مسئول هستند. با توجه به قانون مدنی می‌توان گفت که اموال عمومی از اموالی است که برای عموم و در خدمت عموم است و امکان نقل و انتقال و جابه‌جایی آن و تملک خصوصی ندارد و برای کسانی که در استفاده از این اموال سبقت گرفته‌اند، حق تقدم ایجاد می‌کند و دولت از طریق حق حاکمیتی که نسبت به جامعه دارد، بر این اموال نقش نظارتی و مدیریتی خواهد داشت. در این که نظام حقوقی کشورمان آب‌ها را جزو اموال انفال یا مشترکات عمومی بداند، مسئله به قدری حائز اهمیت است که اگر از انفال باشد توسط اشخاص تملک‌شدنی نیست و صرفاً حق بهره‌برداری از آن را دارند و اگر نظریه مشترکات بودن آب‌ها پذیرفته شود، آب‌ها به تملک درمی‌آید و ویژگی مهم آن، مالکیت اشخاص بر آب است. بر همین اساس اصل ۴۵ ق.ا. آب‌ها در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آن بهره‌برداری می‌کند. در این زمینه، مسئولیت حفظ نظارت و بهره‌برداری از آن نیز به دولت محول شده است. این معنی از ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب نیز برمی‌آید. در جمع قانون ملی شدن آب و مواد ۱۴۹ به بعد قانون مدنی می‌توان گفت که هرگونه بهره‌برداری از آب‌ها و حریم آنها بایستی با مجوز وزارت نیرو باشد و آنچه از فحوای بیان ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب نیز برمی‌آید رعایت همان موارد در مورد بستر و حریم رودخانه‌ها و اراضی مستحدثه می‌باشد و در تملک هیچ کس نیست و در آخر عرضه می‌داریم که در محدوده شهری نیز اراضی مستحدثه متعلق به شهرداری‌ها است و در خارج از محدوده شهری در اختیار حکومت است؛ اما هرگونه بهره‌برداری در خارج از شهر و داخل شهر در بستر و حریم رودخانه‌ها بایستی با مجوز وزارت نیرو باشد و آن سازمان از باب تقدیم حکومت و مصلحت بر حقوق خصوصی افراد قادر خواهد بود که تأسیسات واقع در حریم رودخانه را اگر زیان‌بار تشخیص دهد به قلع و قمع پردازد و در صورت سبق صدور مجوز آن سازمان ملزم به پرداخت خسارت خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

۱. امامی، حسن. (۱۳۶۴). حقوق مدنی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات اسلامی.
۲. باریکلو، علیرضا. (۱۳۸۸). اموال و حقوق مالی. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۳. بروجردی، محمد. (۱۳۸۸). بحث در موضوعات حقوقی در اموال، مجله مجموعه حقوقی. ۳۰، از ۱۱۵-۱۳۹.
۴. بشیری، عباس و همکاران. (۱۳۹۳). شرایط فنی و ضوابط قانونی انواع حریم در حقوق کاربردی ایران. چاپ سوم.
۵. تقی‌زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۸۹). چگونگی حمایت از محیط‌زیست در فقه اسلامی. تحقیقات حقوقی آزاد، (۱۰-۹-۸)، ۴۸-۱۱.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). اسلام و محیط‌زیست. قم: نشر اسراء.
۷. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۰). لغت‌نامه. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. زبیدی، علی. (۱۳۶۸). تاج العروس. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. شفایی، عبدالله. (۱۳۸۳). بازشناسی نهاد حریم (۱). فقه. ۴۱(۱۱)، ۱۳۷-۱۹۰.
۱۰. شفایی، عبدالله. (۱۳۸۴). بازشناسی نهاد حریم (۲). فقه. ۴۳(۱۲)، ۱۰۷-۱۶۰.
۱۱. صادقی، حسین؛ و فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۲). محیط‌زیست از منظر دین و اقتصاد. اقتصاد اسلامی، ۱۰(۳)، ۲۳-۵۲.
۱۲. عبداللهی، عبدالکریم. (۱۳۸۸). قواعدی از فقه. قم: بوستان کتاب.
۱۳. علامه حلی، حسین بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل‌البیت. چاپ دوم.
۱۴. عبداللهی، محسن؛ رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ فریادی؛ مسعود؛ ساجدی، زهرا. (۱۳۸۸). حقوق کیفری محیط‌زیست: ملاحظات و راهکارها. چاپ اول. انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن محمد. (۱۴۱۴ق). کتاب العین. قم: انتشارات اسوه.
۱۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۰). اموال و مالکیت. چاپ پنجاه و پنجم. تهران: میزان.
۱۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). قانون مدنی در نظم کنونی. چاپ پنجم. تهران: نشر دادگستر.
۱۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). دوره مقدماتی حقوق مدنی. تهران: نشر میزان.
۱۹. کریمی، عباس؛ پرتو، حمیدرضا. (۱۳۹۱). داوری پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی. پژوهش حقوق عمومی، ۳۶(۱۴)، ۱۵۷-۱۸۴.
۲۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). اصول کافی. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. کنعانی، محمدطاهر. (۱۳۹۲). تملک اموال عمومی و مباحث. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.

۲۲. عسگری، علیرضا؛ میر داداشی، سید مهدی؛ و کشاورز، علی. (۱۳۹۹). بررسی اصالت در قلمرو موضوعی پذیرش شهادت بر شهادت در تحلیل نظام حقوقی ایران و فقه اهل سنت. مطالعات فقهی و فلسفی، ۴۱(۱۱)، ۱-۱۴.
۲۳. لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۶). حقوق اموال. چاپ هفتم. تهران: گنج دانش.
۲۴. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۳). قواعد الفقه. تهران: نشر علوم اسلامی.
۲۵. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۲۶. معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. (ج ۳۴). تهران: صدرا.
۲۸. معصومی، مسعود؛ و لطفی، اسدالله. (۱۳۹۶). بررسی فقهی - حقوقی جایگاه آب‌ها در اموال عمومی. پژوهش‌های فقهی، ۲۸(۱۳)، ۵۱-۸۳.
۲۹. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۴۰۳ق). تحریرالوسیله. تهران: انتشارات مکتبه‌الاعتقاد.
۳۰. مدنیان، غلامرضا. (۱۳۸۸). مالکیت منابع آبی. تهران: مجموعه مقالات همایش گوه‌ران کویر.
۳۱. نوحی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). قواعد فقهی در آثار امام خمینی. تهران: نشر عروج.

Reference

The Holy Quran

1. Abdullahi, A. (2009). Principles of Jurisprudence. Bustan-e Ketab.
2. Abdullahi, M., Ramezani Ghavamabadi, M. H., Faryadi, M., & Sajedi, Z. (2009). Environmental Criminal Law: Considerations and Solutions (1st ed.). Publication of the Official Gazette of the Islamic Republic of Iran.
3. Allameh Helli, H. bin Y. (1993). Tazkirat al-Fuqaha (2nd ed.). Al-Bayt Institute.
4. Askari, A., Mirdadashi, S. M., & Keshavarz, A. (2020). Investigating the Originality in the Subject Matter of Testimony on Testimony in the Analysis of the Iranian Legal System and Sunni Jurisprudence. *Fiqh and Philosophical Studies*, 41(11), 1-14.
5. Barikloo, A. (2009). Property and Financial Rights (1st ed.). SAMT Publication.
6. Bashiri, A., et al. (2014). Technical Conditions and Legal Regulations of Various Boundaries in Applied Law of Iran (3rd ed.). Jangal va Javdane Publication.
7. Boroujerdi, M. (2009). Discussion on Legal Topics in Property. *Journal of Legal Collection*, 30, 115-139.
8. Dehkhoda, A. A. (1951). Persian Dictionary (2nd ed.). Tehran University Press.
9. Emami, H. (1985). Civil Law (5th ed.). Islamic Publication.
10. Farahidi, K. bin M. (1993). Kitab al-Ayn. Osve Publication.
11. Javadi Amoli, A. (2007). Islam and Environment. Asra Publication.
12. Kan'ani, M. T. (2013). Ownership of Public Property and Related Issues (2nd ed.). Mizan Publication.
13. Karimi, A., & Partow, H. R. (2012). Arbitrability of Disputes Related to Public and State Property. *Public Law Research*, 36(14), 157-184.

14. Katouzian, N. (2001). *Civil Code in the Current Order* (5th ed.). Dadgostar Publication.
15. Katouzian, N. (2009). *Introductory Course on Civil Law*. Mizan Publication.
16. Katouzian, N. (2021). *Assets and Ownership* (55th ed.). Mizan Publication.
17. Kulayni, A. J. M. ibn Y. (1986). *Usul al-Kafi*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
18. Langroudi, M. J. (2017). *Property Law* (7th ed.). Ganj-e Danesh.
19. Madanian, G. R. (2009). *Ownership of Water Resources*. Proceedings of the Gowharān-e Kavir Conference.
20. Masoumi, M., & Lutfi, A. (2017). *Fiqhi-Legal Study of the Status of Waters in Public Properties*. *Jurisprudential Research*, 28(13), 51-83.
21. Mo'in, M. (1984). *Persian Dictionary* (2nd ed.). Amir Kabir Publication.
22. Mohaghegh Damad, S. M. (2004). *Rules of Jurisprudence*. Islamic Sciences Publishing.
23. Mohaghegh Korki, A. bin H. (1408 AH). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id*. Al-Bayt Institute.
24. Mousavi Khomeini, R. (1983 AH). *Tahrir al-Wasi'lah*. al-Itiqad Library Publication.
25. Mutahari, M. (1997). *Collected Works of the Late Martyr Mutahari* (Vol. 34). Sadra.
26. Nuhi, H. R. (2007). *Fiqhi Rules in the Works of Imam Khomeini*. Uruj Publication.
27. Sadeghi, H., & Farahani Fard, S. (2003). *Environment from the Perspective of Religion and Economics*. *Islamic Economics*, 10(3), 23-52.
28. Shafaei, A. (2004). *Recognizing the Institution of Boundary* (1). *Jurisprudence*, 41(11), 137-190.
29. Shafaei, A. (2005). *Recognizing the Institution of Boundary* (2). *Jurisprudence*, 43(12), 107-160.
30. Taghizadeh Ansari, M. (2010). *How to Protect the Environment in Islamic Jurisprudence*. *Azad Legal Research*, (8-9-10), 11-48.
31. Zubeidi, A. (1989). *Taj al-Arus* (3rd ed.). Amir Kabir Publication.